

دانستگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی شهید بهشتی

دانشکده بهداشت

بسترهای پژوهشی پزشکی نیاکان

# تاریخ پزشکی ایران و جهان اسلام

جلد اول: تاریخ طب در ایران

مقدمه و کلیات

تالیف: دکتر محمود نجم‌آبادی

به کوشش: دکتر حسین حاتمی

## فهرست

۲	مقدمه
۳	مقدمه نسخه رایانه‌ای به قلم استاد فرزانه، جناب آقای دکتر محمود نجم‌آبادی (ره)
۴	مقدمه
۴	۱ - نظری به تاریخ طب
۹	۲ - قدمت تاریخ طب
۱۰	من "هایجیا" هستم:
۱۲	۳ - طبابت و آیین پزشکی
۱۲	طبابت خدمتی خدایی است.
۱۹	سیاسگزاری و حق‌شناسی
۲۰	۴ - قسم نامه بقراط
۲۴	۵ - حرفه پزشکی و پرستاری
۲۴	الف - حرفه پزشکی و پرستاری و نظام پزشکی
۲۶	وزارت بهداشتی
۲۶	قانون نظام پزشکی
۲۸	رییس مجلس سنای سابق
۲۹	وظایف این شورا بطور مختصر از این قرار است:
۲۹	در ماده بیست و نهم قانون ۱۸۵۸ چنین می‌نویسد:
۳۰	اتحادیه پزشکان
۳۳	سوگندنامه
۳۴	ب - رازپوشی در حرفه طبابت
۳۵	شقوق مختلفه رازپوشی در برابر بیمار و اشخاص و خانواده‌ها و جامعه و شرکتهای
۳۵	ج - شهادت در حرفه طبابت
۳۶	بنابراین طیب و پرستار به سه طریق زیر میتوانند به عنوان شاهد تلقی گردند:
۳۶	د - خطاهای پزشکی
۳۷	ه - سقط جنین و بچه‌کشی (Avortement - Infanticide)
۳۷	اینک مواد قانون جزا در مورد سقط جنین را ذکر می‌نماییم:
۳۸	اینک انواع سقط جنین را فهرست وار بیان می‌نماییم:
۳۸	حال چند نکته راجع به بچه‌کشی متذکر میشویم:
۳۸	و - وقایع چهارگانه

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### مقدمه

هر چند تاریخ پزشکی هر کشوری به کشورهای دیگر، گره خورده و ریشه در عمق تاریخ اندیشه و تمدن انسانها دارد و نمیتوان طب ایرانی را از یونانی و اسلامی را از غیراسلامی مجزا نمود و طبق روند کلی حاکم بر سیر تکاملی اندیشه و تفکر انسانها همواره متقدمین، سعی کرده‌اند نتایج اندیشه‌ها و تجربیات خود را به نسل بعدی، انتقال دهند و متاخرین نیز سعی نموده‌اند با مطالعه و به کارگیری تجربیات گذشتگان، نکاتی به آن بیفزایند و به نسل‌های بعدی، منتقل کنند ولی بدون شک، تمامی اقوام در سراسر دوران تکامل علم پزشکی و بهداشت، سهم یکسانی نداشته‌اند و گاهی وقوع یک حادثه تاریخی مهم باعث تغییر ناگهانی در به ظهور رسیدن استعدادها و درونی بعضی از ملل، گردیده و در سایه این شکوفایی توانسته‌اند تا مدت‌ها پرچمدار علوم پزشکی و بهداشت در سطح جهان باشند و این واقعه تاریخی مهم در ایران باستان، چیزی جز ظهور دین مبین اسلام و تشرّف اجداد مؤخّدمان به این آیین نجاتبخش، نبوده و هم در سایه این تحوّل فکری و عقیدتی و استعداد ذاتی بود که توانستیم قرن‌ها این پرچم را در دست داشته باشیم و اینک بازنگری به آن افتخارات را وظیفه شرعی و ملی خود دانسته تشکیل بانک اطلاعاتی تاریخ طب در ایران و جهان اسلام را اقدامی در جهت حصول اهداف اطلاع رسانی نوین حوزه معاونت تحقیقات و فنآوری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌دانیم چرا که معتقدیم با این اقدام، راه را برای پژوهشگران میهنمان هموارتر و بر سرعت و کیفیت پژوهش خواهیم افزود - انشا الله.

تاریخ پزشکی ایران قبل و بعد از ظهور دین مبین اسلام که توسط استاد فقید «دکتر محمود نجم آبادی» در سه جلد به رشته تحریر درآمده و جلد اول و دوم آن بارها به زیور چاپ، آراسته و مورد استفاده همگان قرار گرفته است، از جمله خدمات فرهنگی استاد است که مجلد اول و دوم آن با جلب موافقت کتبی معظم له و اعمال تغییرات جزئی نظیر اضافه کردن برخی از پاورقی‌ها و اضافات به متن و جایگزینی بعضی از تصاویر، به صورت بانک اطلاعات الکترونیک، تهیه و در اختیار علاقمندان، قرار داده میشود. توضیح اینکه قرار بود جلد سوم که هرگز به چاپ نرسیده است را نیز از استاد فقید دریافت نموده و در کنار این مجموعه قرار دهیم که متأسفانه به علت پُرسدن پیمانانه عمر پربرکت استاد، چنین توفیقی حاصل نشد و اینک ضمن درود به روان پاک آن استاد فقید، و تقدیم نسخه الکترونیک حاضر به کلیه پژوهشگران و علاقمندان، امیدواریم از نظرات سازنده صاحب‌نظران، بهره‌مند شده و در بازنگری‌های بعدی به غنای آن بیفزاییم.

وظیفه دارم از زحمات خانم جهانشاهی، خانم عباس آبادی، خانم خیرآبادی و خانم خالقی که در تایپ و ویرایش اولیه کتاب در دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه (۱۳۷۸) همکاری نمودند و خانم فیض آبادی، خانم عامری و خانم غفاری که در تدوین کتاب الکترونیک در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی (۱۳۸۸) مرا یاری نمودند و برادرم دکتر مجتبی گرجی صمیمانه تشکر کرده سعادت و سلامت آنان را از درگاه احدیت مسئلت نمایم.

دهه فجر سال ۱۳۸۸

رئیس دانشکده بهداشت و مدیر دوره‌های عالی بهداشت عمومی

دکتر حسین حاتمی

## مقدمه نسخه رایانه‌ای به قلم استاد فرزانه، جناب آقای دکتر محمود نجم‌آبادی (ره)

چاپ اول کتاب حاضر در سال ۱۳۴۱ شمسی، صورت گرفت. و در سال ۱۳۶۹ شمسی یعنی بیست و هشت سال بعد، مجدداً به چاپ رسید. طی آن مدت نسخه‌های کتاب نایاب شده بود و طالبان آن مخصوصاً پزشکان و دانشجویان خارج از ایران اغلب مطالبه دریافت کتاب را می‌کردند. نظر به اینکه چاپ اول کتاب به سرمایه شخصی مولف تهیه گردیده بود و تعداد نسخ آن بیش از هزار جلد نبود، بدین لحاظ طبیعی است که جمیع نسخ آن طی بیست و هشت سال فروش رفته بود. از طرفی طی این مدت از داخل و خارج از مولف درخواست جلد اول کتاب می‌گردید. بنابر این تصمیم گرفته شد با تجدید نظر در چاپ اول مجدداً تجدید چاپ به عمل آید تا اینکه بحمدالله والمنه این آرزو جامه عمل بخود پوشید و با تشکر از شورای انتشارات و مدیر محترم چاپخانه و انتشارات دانشگاه و کارکنان این دستگاه بزرگ علمی دانشگاهی چاپ دوم کتاب به همکاران و دانشجویان دانشکده‌های پزشکی کشور و طالبان آن تقدیم گردید که امید است مقبول نظر صاحب‌نظران و همکاران، واقع شده باشد.

استقبال کم نظیری که از کتب تاریخ پزشکی، تالیف حقیر، به عمل آمده است برای اینجانب، فوزی عظیم بوده و مرا بر آن داشت که در این امر، مشتاق و بی‌اختیار گردم و لذا از همه آنهایی که مرا در این امر، تشویق کرده‌اند سپاسگزاری میکنم و اینک که آقای دکتر مجتبی گرجی (نماینده دکتر حسین حاتمی) و همکاران علاقمندان تصمیم به احیاء، ویرایش و رایانه‌ای کردن و تجدید چاپ آن گرفته‌اند لازم میدانم این کتب را به طالبان علم طب و دانشجویان عزیز و همکاران معظم، تقدیم دارم.

امیدوارم این هدیه ناقابل، در پیشگاه همه دانشجویان و طالبان علم طب و همکاران عزیز، مقبول افتد و مولف را در رفع نقایص آن یاری نمایند.

نشانی مولف به قرار ذیل است: تهران - جمشیدآباد شمالی - خیابان شهید  
محمد علی صدوقی (نوذری شرقی سابق پلاک ۳۶ / کد ۱۸۷ / ۱۴)

تهران شهریور ماه ۱۳۷۷ شمسی

دکتر محمود نجم‌آبادی

## مقدمه

تاریخ طب، تاریخ اطباء، تاریخ طبابت، تاریخ بیمارستان، تاریخ پرستاری، قدمت تاریخ طب، گفتار هیجیا، علم الاخلاق پزشکی و پرستاری یا آیین و سنت پزشکی، طبابت خدمتی خدایی است، قسم نامه بقراط، حرفه پزشکی، رازداری، خطاهای پزشکی، سقط جنین و بچه کشی، وقایع چهارگانه.

## ۱ - نظری به تاریخ طب

موضوع تاریخ طب و اطباء اگرچه از نظر تشریح و تعریف از یکدیگر مجزا می‌باشند، بدین معنی که تاریخ طب یا تاریخ پزشکی عبارت از شرح و توصیف اصول و عقاید پزشکی و ترقیات علم طب در طی ادوار مختلف در دنیاست، به عبارت دیگر تاریخ تحول طب است و تاریخ اطباء یا تاریخ پزشکان، سرگذشت و شرح حال پزشکان است. اما از نظر آنکه عموماً این دو تاریخ با هم پیوستگی دارند بدین لحاظ وقتی طب دورانی مورد بحث باشد طبیعتاً نام اطباء آن دوران نیز به میان می‌آید و این اطباء می‌باشند که نقش بزرگ عقاید طبی را ایفاء می‌نمایند، پس چطور می‌توان این دو شعبه بزرگ از طب را از یکدیگر مجزا ساخت.

بیان این مطلب عقیده اکثریت اطباء و مورخین و تذکره نویسان مشرق زمین و عده‌ای از مغرب زمین می‌باشد که طی قرون متمادی در تذکره‌ها و تواریخ به همین نحو عمل گردیده، به عبارت دیگر شرح حال اطباء منضم به آثار و مؤلفات و عقاید آنان یک جا ذکر شده است، به مانند فهرست ابن الندیم و طبقات الاطباء ابن جلجل اندلسی و تاریخ الحکماء جمال الدین قفطی و عیون الانباء ابن ابی اصیبعه و امثال آنها و از کتب متاخرین مانند **مطرح الانظار فی تراجم اطباء، الاعصار** تالیف مرحوم رکن الحکماء فیلسوف الدوله که اگر بخواهیم به ذکر جمیع منابع بپردازیم، مطلب به درازا کشد، فقط اجمالاً تذکر داده میشود که در میان مورخین مشرق زمین عموماً تاریخ پزشکی و تاریخ پزشکان را توأمأً به رشته تحریر در آورده‌اند، منتهی جانب شرح حال اطباء بر جنبه عقاید پزشکی آنان چربیده است و در این میان، آثار و مؤلفات اطباء را نیز نگاشته‌اند. اما در تواریخ و تذکره‌های مغرب زمین جانب شرح حال پزشکان کمتر ملحوظ شده بلکه بیشتر جنبه تاریخ پزشکی و اصول و عقاید پزشکان در دانش پزشکی مراعات گردیده است، فقط کتبی که



## شکل ۱ - یک عکس از اسقلیبوس رب النوع طب (تاریخ طب مصور آمریکایی اتول . بنمان)

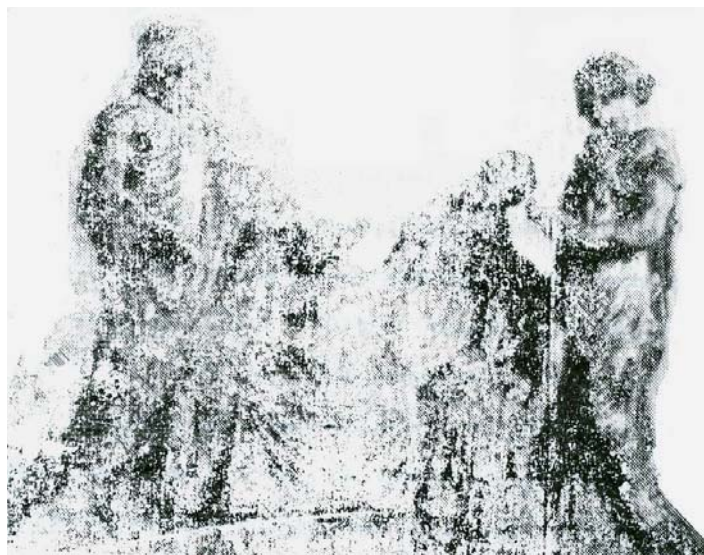
مخصوصاً در شرح حال اطباء بنحوی از انحاء به رشته تحریر درآمده است، از قسمت دوم یعنی جنبه پزشکی و اصول و عقاید پزشکان کمتر صحبت بمیان آورده‌اند یا بهتر بیان نماییم کتب تاریخ طب از تاریخ اطباء

تقریباً مجزا است.

در میان کتب تاریخ طب که در زبانهای بیگانه به رشته تحریر درآمده تعدادی از آنها بسیار مشهور بوده و درباره تاریخ طب عمومی، به رشته تحریر درآمده‌اند:

از جمله تاریخ طب تالیف دکتر مونیه فرانسوی Dr. Meunier و تاریخ طب تالیف **چارلز گرین کمستون** انگلیسی Charles Greene Cumston که توسط **مادام دیسپان دو فلوران** Mme. Dispan de Ploran به زبان فرانسوی ترجمه گردیده و تاریخ طب تالیف آ. کاستیلیونی ایتالیایی A. Castiglioni که توسط آقایان F. Gidon, J. Bertrand به زبان فرانسوی برگردانده شده و تاریخ طب لوسین لکلرک فرانسوی L. Leclerc (که قسمت اعظم آن تقریباً ترجمه طبقات الاطباء ابن ابی اصیبعه است) و یکی از آخرین و معتبرترین آنها کتاب تاریخ طب تالیف عده‌ای از دانشمندان فرانسوی می‌باشد که به سال ۱۹۳۶ میلادی به زبان فرانسوی تحت نظر شادروان استاد لینل لاواستین Laingel Lavastine به رشته تحریر درآمده و در سه مجلد، به زیور طبع آراسته شده و در زمره معتبرترین تواریخ طب، می‌باشد.

غیر از اینها چه درباره تاریخ پزشکی جهان و چه تاریخ پزشکی پزشکان کشورمان عده زیادی از تذکره‌نویسان شرقی و غربی از دوران قدیم تا به حال کتب و آثاری دارند که اگر بخواهیم به ذکر یک یک آنها بپردازیم مطلب خیلی طولانی می‌گردد. پس تاریخ طب که به زبان فرانسوی Histoire de la Medicine گفته می‌شود به سه موضوع زیر اطلاق می‌گردد:



## نسل ۲ - زن بیمار جوان با زن مراقب در خدمت اسقلیوس (تاریخ طب دومنیل)

۱) تاریخ پزشکان یا تاریخ اطباء (Histoire des Medecins)

۲) تاریخ پزشکی یا تاریخ طب به معنای حقیقی Histoire de la Medecine یا اگر بخواهیم ترجمه صحیح‌تری برای آن قائل گردیم باید بگوییم Histoire medicale که به زبان انگلیسی اصطلاحاً Medical History گفته می‌شود. چنانکه دکتر سیریل الگود Dr. Cyrill Elgood درباره طب ایران نگاشته است و آن را بنام A Medical History of Persia نام نهاده است.

۳) تاریخ طب که عادت عبارت از جمع بین دو عنوان بالا یعنی تاریخ طب و سرگذشت اطباء می‌باشد و همان است که بیشتر کتب تاریخ طب در عالم انتشار یافته است.

در این کتاب تا آنجا که مقدور و میسر بوده کوشش شده است قسمت اول و دوم هر دو ضمن تاریخ

بیمارستانها و مختصری از تاریخ پرستاری به رشته تحریر درآید.

در تمام منابع بالا تاریخ بیمارستانها و پرستاری نیز ضمن کتب تاریخ طب، ذکر گردیده است، منتهی آنکه تعدادی کتاب اصولا به نام تاریخ بیمارستانها و تاریخ پرستاری مخصوصا برای این دو رشته تالیف یافته است بمانند "تاریخ البیمارستانات فی الاسلام" تالیف دکتر احمد عیسی بیک و کتاب بزرگ - Hospital Organization and Management تالیف Malcolm T. Mac Eachern می باشد که قسمتی از آن به نام تاریخ بیمارستانها اختصاص داده شده و قسمت اول این کتاب از آن اقتباس شد که بر آن مختصر اضافاتی گردیده و بعضی قسمتها که به نظر غیرلازم می رسید حذف شده است.

به هر حال منظور آن است که تاریخ طب و طبابت و اطباء و بیمارستانها و پرستاری تا قریب یکصد سال قبل در یکجا جمع بوده و سهل است که تاریخ دامپزشکی و دندان پزشکی و داروسازی نیز منضم بدانها بوده است ولی طی قرن اخیر، تدریجا از یکدیگر مجزا گردیده که برای روشن شدن مطلب سطور آتی، نگاشته خواهد شد. پس از تقسیم بندی بالا اینک متذکر می گردیم که:

روزگاری وقتی کلمه طب بر زبان می آمد مقصود تمام شعب علم طب از طب داخلی و جراحی و کحالی و شکسته بندی و امثال آنها بود، پس از آنکه ترقیاتی در این علم بعمل آمد شعب دیگر طب از قبیل بیماریهای زنان، قابلگی، بیماریهای پوستی، بیماریهای قلب و ریه، بیماریهای گوش و حلق و بینی و بمانند آنها در علم طب وارد شد. آنگاه از اواخر قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم تا این تاریخ که علم طب ترقیات بسیار شگرف نموده و اختراعات و اکتشافات کم نظیر در این علم نصیب جهان پزشکی گردیده، بسیاری از شعب بالا نیز به تقسیماتی چند منقسم گردید به مانند: بیماریهای ریه که به بیماریهای طبی ریوی و جراحی ریوی و راههای تنفسی و امثال آن منقسم شده و یا آنکه بیماریهای قلبی از عروق و خون مجزا شده و هر کدام شعبه مستقل تشکیل داده چنانکه روزی در دانشکده های عالم بیماریهای اطفال ضمن بیماریهای داخلی تدریس میشد اما بعدها کرسی بیماریها و تربیت اطفال و شعب بسیاری از این قسمت از بیماریهای داخلی مجزا شد.

اکنون در دانشکده های بزرگ عالم علم مربوط به بیماریها و تربیت و رشد اطفال به شعب چندی به مانند بیماریهای اطفال Pediatric و پرورش کودک Puericulture و بیماریهای اطفال از نظر اجتماعی Pediatric Sociale و امثال آنها تقسیم گردیده که هر کدام مستقلا یک کرسی را تشکیل می دهد و طبیعی است که هر یک از رشته های طب میتواند به شاخه هایی تقسیم شود. همچنانکه امروزه طب سالمندان Geriatric را نیز بعنوان شاخه جدیدی مطرح نموده در بسیاری از دانشگاه های بزرگ جهان در کنار طب اطفال و بزرگسالان، به تحقیق و تدریس طب سالمندان نیز پرداخته کتب و مجلات علمی فراوانی در این زمینه، به رشته تحریر درآورده اند که امید است در دانشگاه های علوم پزشکی ما نیز هر چه سریعتر، چنین رشته ای مطرح گردد، چرا که کنترل جمعیت و ارتقاء سطح سلامتی جامعه، بنظر میرسد به سرعت از قاعده هرم سنی جامعه ایرانی کاسته و بر راس آن افزوده گردد و بر سیاستگذاران است که برنامه های جامعی برای آن زمان، پی ریزی کنند.

بطور کلی در سیر ترقی علم طب شعبات زیادی از آن تجزیه گردیده، به همین ترتیب هر کدام تاریخ جداگانه ای دارند یعنی عملا سیر تکاملی که در علم الامراض پیش آمده است تاریخی برای هر یک از آن شعب آغاز کرده و تاریخ آنها را در حقیقت از ابتدای روز انشعاب باید بحساب آورد. به هر حال با شرح بالا اینک به این

نتیجه می‌رسیم که:

تاریخ طب اکنون از صورت سابق خود بیرون آمده و آن جنبه کلی قدیمی را از دست داده است یعنی به تعداد علوم طبی و شعب آن تاریخ وجود دارد مثل تاریخ بیماریهای قلبی، تاریخ بیماریهای عروق، تاریخ بیماریهای خون، یا تاریخ کالبدگشایی و تاریخ کالبدشناسی و امثال آنها. به همین دلیل بعضیها را اعتقاد آن است که تدریس تاریخ طب (به لفظ اعم که مادر ابتدای این مقال از آن گفتگو کردیم) کمتر متناسب است، بلکه تاریخ هر یک از شعب علوم طبی را ضمن بیان همان شعبه باید متذکر گردید یعنی استاد کالبدشناسی (تشریح) ضمن تدریس این شعبه از علم طب باید تاریخ آن را نیز تدریس نماید. اما این نظر هنوز مورد قبول عامه نیست بلکه عده معدودی از اهل نظر بر عقیده بالا می‌باشند و اکثریت قریب بالاتفاق با تدریس "علم تاریخ طب" به معنای اعم موافق می‌باشند چنانکه کرسی آن در جمیع دانشکده‌ها اکنون برقرار است.

در خاتمه این بحث اضافه می‌نمایم که: در بسیاری از دانشکده‌ها از نظر آنکه تاریخ طب آیین تمام نمای سیر تکامل طب و خدمات اطباء به این علم و بالنتیجه به مردم است و آن کمال مطلوبی است که همه اطباء در طبابت باید عمل نمایند یعنی "برداشتن درد از دل و بار از پشت مردم است" با علم الاخلاق پزشکی ("Deontologie Medicale" که اینجانب آنرا آیین پزشکی نامگذاری نموده ام) توأم می‌باشد.



### شکل ۳ - زنان در حال نماز و دعا (اقتباس از انتشارات کارخانه کتل)

عده‌ای علم الاخلاق پزشکی را "آداب پزشکی" و برخی از قدما آنرا "ناموس الطب" نامیده‌اند، اما علمای تاریخ طب را عقیده آن است که تدریس "علم الاخلاق پزشکی" باید توسط طبیبی که لااقل چند صباحی از عمرش به شغل طبابت و نشستن در محکمه و دیدن بیمار گذشته است بعمل آید تا معنای آیین و سنت پزشکی را درک نموده باشد.

عقیده اینجانب بر آن است که باید تاریخ طب از علم الاخلاق پزشکی مجزا تدریس گردد، سهل است درس علم الاخلاق پزشکی باید در برنامه جمیع کلاس‌های دانشکده‌های پزشکی تعلیم شود و با این سبب که متأسفانه کار طبابت به طرف مادیات سوق داده میشود، علاوه بر آنکه باید در تمام سالهای دانشکده اخلاق پزشکی و آیین و روش و سنت آن (یعنی وظایفی که طبیب باید بدانها عمل نماید و تکالیفی که نسبت به مردم و بیماران، مرعی دارد و موضوعاتی که باید از آن اجتناب ورزد) تدریس گردد، مجالس سخنرانی و ایراد خطابه‌های زیادی برای دانشجویان امروزی که پزشکان آتی خواهند بود ترتیب داده شود تا از خطر سقوط احتمالی که برای طبیب در جامعه ممکن است پیش آید و احیاناً انحرافات دیگر جلوگیری کرد.



اما تاریخ بیمارستانها و تاریخ پرستاری با تاریخ طب همراه می‌باشند و هر جا صحبت از طبیب و طبابت و تاریخ طب شود تاریخ بیمارستانها و پرستاری و امثال آن طبعا در میان خواهد آمد، پس چطور ممکن است در کتابی شرح حال و مقام طبی رازی پزشک نامی ایران برده شود و آنوقت از ریاست وی بر بیمارستانهای بغداد و ری صرف نظر کرد؟ یا آنکه چطور ممکن است تاریخ طب دوران قبل از اسلام را در ایران ذکر کرد آنوقت از دانشکده پزشکی و بیمارستان جندیشاپور، سخنی نگفت؟ بنابراین به دنبال تاریخ طب، تاریخ دانشکده‌های پزشکی و بیمارستانها و پرستاری سهل است که باید تذکر داده شود از تاریخ دندانپزشکی و داروسازی نیز باید صحبت نمود. در این کتاب علاوه بر آنکه از تاریخ بیمارستانها بحث و گفتگو خواهد شد ضمن بیان مطلب مختصری نیز از تاریخ پرستاری و در حد امکان، از سایر فنون وابسته به طب نگاشته خواهد شد.



### شکل ۴ - زنی که طفلی را شیر می‌دهد (قبل از میلاد مسیح) (تاریخ طب ۱ . کاستیلونی)

در مورد تاریخ بیمارستانها و پرستاری نیز کتب بسیاری انتشار یافته که از اغلب آنها در این کتاب استفاده کامل گردیده است، به مانند تاریخ پرستاری تألیف ل. ر. سیمر L. R. Seymer و کتاب تاریخ بیمارستانها تألیف Malcolm T. Mac - Eachern و کتاب تاریخ بیمارستانات فی الاسلام تألیف دکتر احمد عیسی بیک و امثال آنها و کتب تاریخ طب که در صفحات قبل از آنها اسم برده شده است. بنابراین تاریخ بیمارستانها و پرستاری که قسمتی از تاریخ طب است و در این کتاب از آنها صحبت خواهد شد در حقیقت یکی از شعب تاریخ طب یا بهتر بیان نماییم یک شعبه اختصاصی تاریخ طب می‌باشد.

در این کتاب تا آنجا که ممکن و مقدور بوده کوشش شده است قسمتهایی که به کار آن دسته از اطباء و دندانپزشکان و داروسازان و قابله‌ها که مدیریت بیمارستانها را دارند و یا بعدا تکفل آنها را عهده‌دار می‌گردند مفید باشد، نگاشته شود بدین معنی که قسمتهایی از این کتاب خلاصه‌ای از سخنرانیها و دروسی است که اینجانب در سالهای تحصیلی ۱۳۳۸ - ۱۳۳۹ و ۱۳۴۰ - ۱۳۳۹ در کلاس مدیریت بیمارستان در دانشکده پزشکی جهت همکاران و دروسی که در طی سالیان دراز در کلاس بهیاری انجمن ملی حمایت کودک جهت دانشجویان ایراد نموده‌ام. به هر حال تشریح موضوعات بالا از نظر روشن شدن مطلب لازم بنظر می‌رسید. اینک وارد اصل و مبنا و قدمت تاریخ طب میشویم.

## ۲- قدمت تاریخ طب

چنین بنظر میرسد که قدیمی‌ترین یا یکی از قدیمی‌ترین تواریخ، تاریخ طب باشد. چرا که آدمی از روز اول زندگی با درد و رنج همراه و بدیهی است برای رفع درد و الم که غریزه‌ای طبیعی می‌باشد می‌کوشیده است، بعبارت دیگر در برابر سلامتی که باید آنرا کمال مطلوب آدمی دانست بیماری نیز خودنمایی می‌کرده است. از این جهت اگر نام تاریخ طب را "تاریخ درد" بگذاریم یا برحسب عقیده عده‌ای "تاریخ درمان درد" راه چندان اشتباهی نرفته‌ایم هرچند براساس جامع نگری و جامعه نگری ابن‌سینا، که هدف طب را حفظ تندرستی به هنگام سلامت و بازگرداندن آن در زمان بیماری، دانسته است بهتر است تاریخ طب را "تاریخ حفظ، اعاده و ارتقاء سلامتی" بدانیم.

درباره تاریخ پزشکی که بنظر می‌رسد قدیمی‌ترین تواریخ دنیا باشد اینجانب در رساله‌ای که درباره "مختصری از طب اسلامی (بخصوص خدمات ایرانیان) و نفوذ آن در طب اروپا" به صورت سخنرانی در دومین جلسه کنگره پزشکی ایران که شنبه یازدهم تیرماه ۱۳۲۴ هجری شمسی مطابق با دوم ژوئیه ۱۹۴۵ در تهران ایراد نموده و در مهر ماه همان سال بچاپ رسانده‌ام، همچنین در مقدمه ترجمه کتاب طب اسلامی تالیف شادروان پروفیسور ادوارد بروان انگلیسی که توسط آقای مسعود رجب نیا به سال ۱۳۳۷ هجری شمسی ترجمه شده و مقدمه تحفه حکیم مومن به سال ۱۳۳۸ بچاپ رسیده است کمی حق مطلب اداء شده است و اینک قسمتهایی از آنها را در این مبحث متذکر می‌گردم: "از همان روزی که آدمی در صدد دفع شر و زحمت و درد از خود برآمده است تاریخ طب شروع میشود و قطعی است اولین فردی که توانسته رفع درد از خود و یا از دیگری بنماید اولین طبیب بشر بوده است." بدین مناسبت باید گفت تاریخ طب و اطباء یا تاریخ پزشکی و پزشکان با هم توأم‌اند و چون آدمی جان خود را نفیس‌ترین و عزیزترین گوهر می‌دانسته، با علاقه کامل از اول در صدد رفع درد از خود برآمده است. پس طب و طبابت در دو کلمه خلاصه می‌گردد و آن دو کلمه این است: "برداشتن درد از دل و بار از پشت آدمی است و طبیب جز این کمال مطلوبی نخواهد داشت".

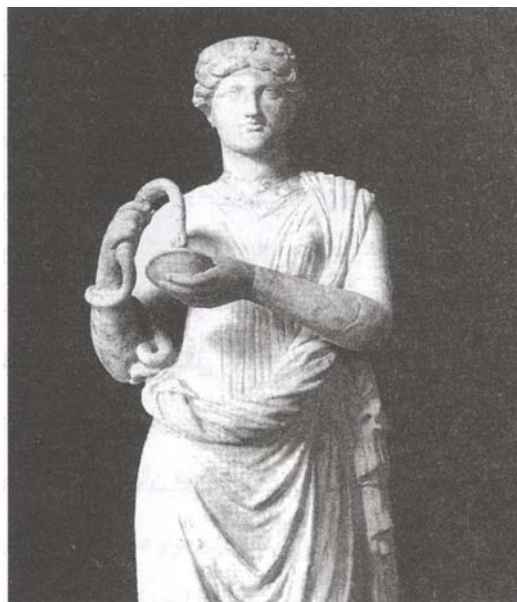
اینهمه افسانه‌هایی که در کتب در باب معالجات و درمانهای فوق‌العاده و خارق‌العاده آمده ناشی از عزیز و نفیس بودن جان آدمی است. اگر آدمی برای رفع درد انگشت به دندان گیرد و یا آنکه دارویی استعمال نماید که مثلا زایمان بی درد شود نتیجه و نظر و غایت مطلوب یکی است. بیم و ترس از بیماری‌ها و امید به بهبود آنها از قدیم الایام در نهاد بشری وجود داشته و اگر طب از قدیم الایام، با خرافات و موهومات همراه بوده به همین علت بوده است.

موضوع بیم و امید مطلب کوچکی نیست که خیلی بتوان از آن به آسانی گذشت بلکه از روزگاران قدیم تا زمان ما نقش بسیار بزرگی در کار بهبود و درمان و یا عدم بهبود ایفاء نموده است و از این دو موضوع یعنی بیم و امید، مباحث زیادی در طب بمیان آمده که یکی از آنها تلقین Suggestion و یا تلقین به نفس (خودتلقینی) Auto Suggestion و امثال آنها می‌باشد که اگر بخواهیم وارد این بحث بشویم، مطلب طولانی خواهد شد. در اینجا ترجمه‌ای از بیان هیجیا رب النوع تندرستی (در تاریخ یونان) را از نظر خوانندگان محترم می‌گذرانم تا امید زندگی و حیات از نظر قدما معلوم و مشهود گردد:

"مظهر بهداشت، الهه نیرو و نشاط، دست پرورده کوههای سرسبز و پر برکت. فرزند گاهواره دشت‌های خرم و مرغزارهای با صفا و آبشارهای خروشان.

### من "هایجیا" هستم:

"از هوای سالم، از شیره نباتات، از عصاره هسته‌های حیات بخش چنین تندرست و نیرومندم. در چشمه خورشید استحمام می‌کنم. در آغوش امواج دریا می‌آسایم از دم جانبخش نسیم سحر تنفس می‌کنم. جانم از اهریمن بیماری‌ها و روانم از عفريت بداندیش و انحرافات ایمن است. "من" هایجیا": ربه النوع تندرستی، پیک زندگانی، مربی شادی و شادمانی هستم: ای رنجوران، بیماران، ناتوانان. "از وادیهای بایر ولم یزرع، از مکانهای تنگ و مرطوب و از میان اجتماعات انبوه که تنفس آزاد در آن به اشکال صورت می‌گیرد به سوی من شتابید.



### سکل ۵ - هایجیا

از من پیروی کنید تا آلاینده‌های روان و نارساییهای جان را در دره‌های ژرف مدفون سازیم. با تنی سالم، روانی روشن و عقلی متعادل به فراز کوهها به آغوش آبشارها و به سایه درختان انبوه بال و پرگشایییم. "تا مشام شما را از عطر گل‌های یاس معطر گردانم. چشمان شما را به سان دو پنجره به سپیده بامداد آشنا می‌سازم و ساحت جان و مغز و قلب شما را به پرتو خورشید چون طالع بلند اختران، منور می‌گردانم. در خون شما عطر گل سرخ درخشندگی لعل و صفای گوهر می‌گذارم تا چون نخستین طلوع فجر صادق و بسان ژاله‌های روی سبزه‌ها صاف و روشن و زلال گردد.

"من" هایجیا" مظهر بهداشت هستم. من می‌آیم به سان پیک خوشبختی. هر جا که مرا دعوت کنند گام می‌گذارم به فاضلابها، به مکانهای ظلمانی و محروم از نور خورشید، آنرا به مرغزارهای خرم و دشتهای پرگل و لاله مبدل می‌سازم. همراه نسیم سحر، در بی روزن کلبه‌های رعیتی را به پنجره‌هایی که نور خورشید را تا اعماق هستی و حیات دعوت میکند مبدل می‌سازم و به جای دره‌های کوتاه آن برای کاروان شادی و سلامت و سعادت دروازه‌های بزرگ نصب می‌کنم. دیوارهای دخمه‌های تنگ بیغوله‌های تاریک را که زیستگاه اهریمن بیماریها است، از پرنیان فکر پاک و عواطف منزه آذین بندی می‌کنم.

"من" هایجیا" هستم. این هیاهوی اعصاب فرسای شهر را به من بدهید تا آنرا مبدل بسکون و آرامش مرغزاران و صفای تاکستانها برای آسایش جان داران شما مبدل سازم. این غوغای توان فرسا و ناله‌های نامریی روانهای علیل و جانهای ناتوان را به یک موسیقی عالی زندگی و نشاط برگردانم.

"هایجیا" مظهر بهداشت می‌آید غم‌های کهنه را در دل‌های علیل و زخم‌های دیرین را در رو آن‌ها التیام می‌بخشد. اشخاص نومید، بار دیگر غم‌ها را با تبسم فرشته امید معاوضه کرده، رانده شدگان و شکست خوردگان در پیکار حیات بار دیگر شروع به تجدید حیات می‌کنند.

Asculapius ex Cafalio



"هایجیا": مظهر نشاط و تندرستی هستیم. مادران را به من سپارید تا تیرگی تولد را از رحم آنها برگیرم و به نور حیات و آسایش، منور گردانم. اندام کودکان را به من سپارید تا در آن نیرو، نشاط و رمق حیات و چالاکی بدمم که تمام بیماریها، شرارت، پریشانی، محنت و انحرافات دوران کودکی را از خود دور سازند.

"جوانان و زنان جوان را به من بدهید تا کلیه آرزو و اشتیاق‌های آنها را به سوی عقل و آسایش، سوق دهم. " آیا با من همگام نمیشوید؟ مرا یاری نمی‌کنید؟. نومیدی؟. نومیدی؟. دور باش برای همیشه ای نومیدی. (این ترجمه که از طرف اداره کل بهداشت انتشار یافته اقتباس گردیده است).

### شکل ۶ - یک عکس از اسقلپیوس (رب النوع طب) (کتاب تاریخ طب دانیل لکیر)

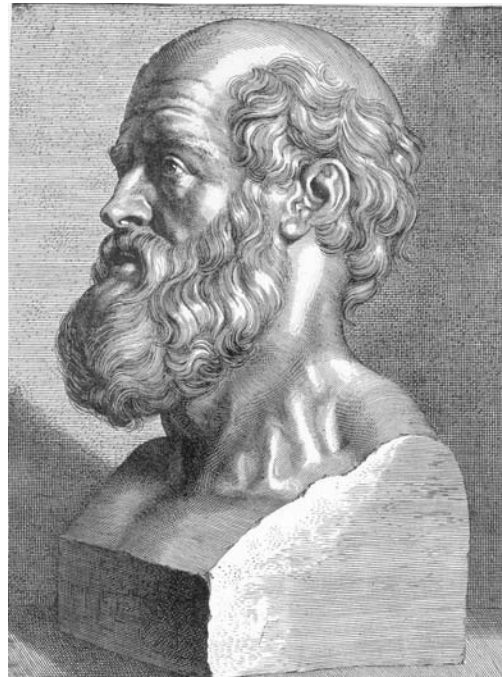
در مورد قدمت طب نمی‌توان تاریخی قائل گردید چرا که از تمدن‌های خیلی قدیم اطلاعات زیادی در دست نیست تا بتوان از تاریخ علوم و یا یکی از شعب آن که علم طب است مطالبی دقیق بر صحیفه کاغذ بیاید. بدین معنی که پزشکی قبل از تاریخ برای بشر منحصر به تجاری بوده که طی زندگانی در برابر حوادث آموخته بود.

آنچه از نوشته‌های گذشتگان مستفاد می‌گردد طب در دوران ایرانیان باستان (آریان‌ها) از علمی بوده که توسط آنان قبل از بسیاری از ملل پیشرفت کرده است. درباره قدمت این علم در میان آریاییها (چه ایرانیها و چه هندیها) اطلاعاتی در دست است که می‌رساند علاوه بر آنکه قبل از بسیاری از ملل در این علم وارد بوده، بلکه پیشرفت هم داشته‌اند و درمان بیماران و بکار بردن داروها را نیکو میدانستند.

تاریخ طب و شعب منحصر به آن یعنی تاریخ اطباء و طبابت و داروسازی و دندانپزشکی و بیمارستانها و پرستاری و امثال آنها از دوران قدیم با آدمی همراه بوده است و در دورانهای قدیم چنانکه ذکر شد این شعب، تماما

یک رشته بیشتر نبوده مقصود آن است که بشر فقط در فکر بهبود خود بوده است و بس، یعنی رفع درد و رنج از وجود خود. بدیهی است رفع درد و رنج و بدست آوردن راحت و لذت برای بشر امری طبیعی بوده بنابراین چه هندی و چه چینی و چه مصری و کلدی و آشوری و ایرانی و یونانی همه در پی آن بودند. پس اگر در خلال این کتاب از نظرات و اقوال اقوام مختلف، صحبت بمیان آید برای روشن شدن مطلب و اینکه اقوام به چه نحو علوم طبی و فنون وابسته بدان را از یکدیگر اقتباس نموده‌اند، می‌باشد.

اقتباس علوم مخصوصا طب که با جان آدمی سروکار دارد ( امری عادی و طبیعی است). هر یک از اقوام و ملل و دول بر اثر ارتباط با یکدیگر توانستند علوم را از یکدیگر اخذ نمایند و اگر ارتباط بین اقوام وجود نداشت، شاید بسیاری از علوم در درجات ابتدایی قرار می‌گرفت.



درباره علم طب باید گفت از علومی بود که دهان به دهان از مردمی به مردم دیگر انتقال یافته است، چنانکه اگر مهاجرت عده‌ای از دانشمندان روم شرقی به آسیای صغیر و بین‌النهرین و ایران نبود، قطعا علم طب در دوران قبل از اسلام و پس از آن به درجه عالی در طب ایرانی و اسلامی پدید نمی‌آمد و نمی‌توانست مبنای محکمی برای طب کنونی گردد.

### شکل ۷ - یک عکس از بقراط طیب (تاریخ طب مصور آمریکایی اتول . بتمان)

باری مقصود آن است که طب هر ملت و قومی علاوه بر طب مخصوص خود از طب اقوام دیگر نیز استفاده بعمل آورده است. این مطلب درباره طب کشور ما بسیار صادق و نمونه بارزی از این اختلاط میباشد بدین معنی که طب دوران قبل از اسلام و پس از آن تا قریب صد و پنجاه سال قبل مرکب از طب ایران و یونان و هند بوده است.

## ۳ - طبابت و آیین پزشکی

### طبابت خدمتی خدایی است.

در این قسمت از تاریخ پزشکی و بیمارستانها لازم می‌دانم مختصری درباره طبابت در یک قرن اخیر و مخصوصا در پنجاه ساله آخر، چند کلمه از نظر ثبت در تاریخ بنگارم. همانطور که در ابتدای کتاب در فصل مربوط به طب و طبابت مختصری ایراد مطلب گردید اینک نیز متذکر می‌گردم که در هر صنف و دسته‌ای خدای ناکرده افراد نابابی پیدا میشوند که به آن صنف صدمه می‌زنند و در نتیجه دیگران را نیز بدنام می‌نمایند. باید دانست قدما درباره طبابت و طب علاوه بر نظرات امروزی ما، اصول مهمی را در نظر داشتند:

۱ - به علم طب از نظر شرافت آن مایل بودند بدین معنی که معتقد بودند که هر علم و هنری شرفی دارد که طالبین برای شرف آن در پی کسب آن برمی آمدند.

۲ - علم را از نظر علم و فضل می آموختند یا به قول قدما علم را "مِنْ حَيْثُ هُوَ عِلْمٌ وَ فَضْلٌ" دوست می داشتند و بدین ترتیب در حقیقت شائق و عاشق برای علم بودند.



شکل ۸ - یک عکس خیالی از ابن سینا شکل ۹ - یک عکس خیالی از رازی پزشک و فیلسوف و طبیب بزرگ ایرانی حکیم نامدار ایرانی



شکل ۱۰ - دیوسقوریدوس و امتحان مهر گیاه (تاریخ طب مصور آمریکایی اتول . بتمان)

درباره علم طب هم به شرح ایضا چنین عقیده داشتند که باید این علم را آموخت از نظر آنکه آدمی عالم و

دانشمند شود. برای رضایت روح و روان و تسکین خاطر به تحصیل می‌پرداختند، منتهمی اگر طی این مدارج می‌توانستند برای جامعه مفید باشند امید اجر فوق‌العاده نداشتند بلکه همین مفید بودن برای جامعه جهت آنان بزرگترین اجر و پاداش بود.

پس بطور خلاصه "شرف علم" را مد نظر داشتند.

فردوسی شاعر بلند پایه ایرانی آموختن علم را برای آرامش تن و جان و معاشرت با دانشمندان و دوری از نادانان، واجب و نادانان را بی‌آیین می‌دانسته و می‌گوید:

بیاموز و بشنو ز هر دانشی	بیابی ز هر دانشی رامشی
دگر با خردمند مردم نشین	که نادان نباشد بر آیین و دین
که دانا ترا دشمن جان بود	به از دوست مردی که نادان بود
هنرمند با مردم بی هنر	به فرجام هم خاک دارد به سر
ولیکن از آموختن چاره نیست	که گوید که دانا و نادان یکی است

۳ - عموم اطباء قدیم خود را برای مقام طبابت لایق نمی‌دانستند و نام طبیب بر خود نمی‌گذارند چرا که این مقام را خیلی بالا و والا میدانستند و عموماً خود را "متطبب" می‌نامیدند. چنانکه رازی و ابن‌سینا و عده زیادی در تمدن اسلامی خود را "متطبب" می‌گفتند. بعضی پا را فراتر نهاده کلمه "طبیب" و "حکیم" مطلق را برای ذات باری عزاسمه می‌دانستند و بس و اگر کسی خود را به نام طبیب می‌خواند آنرا نامتناسب می‌دانستند.

۴ - اصولاً طب به صورت کسب و امرار معاش نبود بلکه امرار معاش و ادامه زندگی از راه طب و طبابت در درجه ثانی قرار داشت، یا آنکه به قدر روزی و معاش روزانه از آن بهره‌مند می‌گردیدند. متأسفانه در عصر حاضر در دنیا طب به صورت تجارت درآمده که باز هزار بار افسوس طب تجاری (La Medicine Commerciale) بیشتر باب شده است.

شواهد زیادی در تاریخ طب ایران موجود است که عده‌ای از اطباء حقوق و ماهانه‌های بسیار کلان از امراء و ولات و خلفاء و سلاطین می‌گرفتند و ویزیت آنان نیز زیاد و دستگاه بزرگ محتشمی داشتند. متأسفانه این دسته بودند که سرمشق برای دیگران شدند و خدای ناخواسته طب تجاری و کسبی را باب نمودند. مثلاً متذکر می‌گردم معروف است که رازی عیالش را طلاق داد ولی بواسطه تنگدستی نتوانست مهریه وی را بپردازد و ابوالقاسم کعبی به طعنه ویرا خطاب کرده گفته است: "تو که ادعای ساختن کیمیا داری چرا نتوانستی کابین زنت را بپردازی؟" مرحوم **ادیب الممالک فراهانی** در این باب در قصیده‌ای بسیار شیرین چنین گفته است:

"گزیده قرن و رقیب معاصرش کعبی	که بود یار وی اندر سرا و در مکتب"
"بطنز و طعنه بدو گفت‌ای یگانه حکیم	مرا زکار تو باشد به روزگار عجب"
"سه علم را شده‌ای مدعی و در این سه	خبر نباشد از ریشه و فنون و شعب"
"نخست دعوی اکسیر و کیمیا داری	کز آنت بهره نبینم بهیچ روی و سبب"
"برای ده درم از مهر زن بزندانت	گشوده شد در اندوه و بسته باب طرب"
"برآمد از جگرت سوز و تلخ کام شدی	ز ترش رویی آن نوعروس شیرین لب"